

نگاهی به فساد اقتصادی گسترده در حکومت اسلامی ایران!

بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

این روزها بازار خبر و کشف اختلاس در حکومت اسلامی ایران، بسیار داغ شده است. به خبرهای منتشر شده در این زمینه، از جمله می توان به اختلاس ۲۰ میلیارد تومانی (سه میلیارد دلاری)، در چارچوب طرح خصوصی سازی دولت و گرفتن این مبلغ از بانک دولتی برای راه اندازی بانک خصوصی و ده ها شرکت با میانجی گری دولت احمدی نژاد. هم چنین خبر ۸ میلیارد تومانی که یک فرد در قالب دریافت ۷ فقره وام مسکن از یک بانک گرفته است. تنها همین دو فقره دزدی و اختلاس در حکومت اسلامی کافی ست که عمق و گستردگی فساد و دزدی در این حکومت خدا و امام زمانش در ایران را در قضاوت افکار عمومی قرار دهد.

هم چنین در خبرها آمده است که یک لیست صد نفره در دست است که جمعا نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار به بانک ها بدهکارند و هیچ یک از بدهکاران هم خیال ندارند آن را بازپس دهند. به علاوه گفته می شود که اغلب این بدهکاران به بانک ها، با معرفی و توصیه مستقیم دولت از بانک های کشور این وام های کلان را گرفته اند و...

هم زمان با درخواست «استعفای رییس جمهور» از سوی رییس مرکز پژوهش های مجلس، به علت «مشارکت دولت در اختلاس ۲ هزار میلیارد تومانی»، روزنامه ایران از وجود بیش از ۱۴۰ هزار سند از ۲۱۴ مقام جمهوری اسلامی خبر داده که به زودی منتشر خواهد شد.

به این ترتیب، اختلاس سه میلیارد دلاری همه چیز را در حکومت اسلامی تحت الشعاع قرار داده و درگیری اصول گرایان با آن چه «حریان انحرافی» نامیده می شود ظاهرا شکل جدی تری پیدا کرده است. می گویند حدود دو میلیارد دلار از این پول از کشور خارج شده و بعضی هم لیست کارهایی را که می شد با این سه میلیارد دلار انجام داد منتشر کرده اند؛ از نجات دریاچه ارومیه گرفته تا ایجاد یک میلیون شغل پایدار و ۶ بار بازسازی کل صنعت نساجی و... این در حالی ست که محمود احمدی نژاد، با وجود حجم بالای اختلاس اخیر هم چنان دولت خود را «پاک ترین دولت تاریخ» می داند. اما طی روزهای گذشته، محافظه کاران زیادی خواستار استعفای مقامات بانکی و اقتصادی دولت محمود احمدی نژاد شده اند.

فقط از ابتدای سال جاری، خبرهای ریز و درشت زیادی از اختلاس های میلیارد دلاری در بانک های مختلف و بیش از همه در بانک های بزرگ دولتی در رسانه ها انعکاس یافته است؛ در حالی که خامنه ای سال ۹۰ را سال «جهادی اقتصادی» نام گذاری کرده بود. اما اکنون به معنای واقعی سال ۱۳۹۰ را باید سال «پرده برداری از اختلاس های کلان حکومتیان و بانک های دولتی» و پرده پوشی رهبر نام گذاری کرد.

گفته می شود فردی که مالک یکی از باشگاه های دولتی لیگ برتر فوتبال نیز می باشد، در بسیاری از صنایع معاملات و فعالیت های اقتصادی نقش دارد و تاکنون توانسته بدون رعایت مراحل قانونی و از محل همین سوء استفاده های مالی با حمایت برخی مقامات ارشد دولتی، اقدام به اخذ مجوز از بانک مرکزی برای بانک تاسیسی خود نماید...

حتی کشف بزرگ ترین اختلاس تاریخ کشور در سیستم بانکی دولت محمود احمدی نژاد هم نتوانست ذره ای از ادعاهای و دروغ کوی های او بکاهد. او، با اشاره به متهم شدن دستگاه دولتی به ارتباط با پرونده اختلاس گفته است: «ما بازم سکوت می کنیم که به خاطر مقام رهبری است» و تهدید کرد که: «البته این سکوت وحدت بخش طولانی مدت نخواهد بود.»

روشن است که این ادعای احمدی نژاد، یک واقعیت را به روشنی نشان می دهد و آن این است که در ماجرای اختلاس های کلان حکومتی، به دلیل این که همه دست دارند و تعمیق و گسترش آن در افکار عمومی پای همه سران و مقامات و ارکان ها و جناح های حکومتی را به میان می کشد. بنابراین، مصلحت رهبر، رییس جمهور و مجلس، قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، سپاه و غیره در این است که نگذارند چنین مسایلی بیخ پیدا کند.

گروه آریا، متعلق به امیرمنصور خسروی، متهم اصلی پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی است. این گروه توانسته در سال ۱۳۸۸ مالکیت «گروه ملی فولاد ایران» و کلیه زیرمجموعه های آن را تحت عنوان خصوصی سازی و اجرای اصل ۲۴ قانون اساسی به دست آورد.

مشرق نیوز، نوشته که امیرمنصور خسروی، در جریان واگذاری های سازمان خصوصی سازی، توانسته شرکت تراورس را نیز خریداری کند. تراورس، از مهم ترین شرکت های پیمان کار در عرصه راه آهن است و نزدیک به هشت هزار نفر پرسنل دارد.

بیش از این، سایت «آینده نیوز» در باره «الف. خ.» نوشته بود: «وی یک ایرانی ساکن آلمان بوده که در دولت نهم با دریافت برخی چراغ سبزها با سرمایه ای معادل یک میلیون دلار برای برخی فعالیت های اقتصادی به ایران برگشته و با تاسیس شرکت های زنجیره ای متعدد، اعتبارات و وام های بانکی کلانی دریافت کرده است.»

اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، در میان سیلی از پرسش های نمایندگان مجلس و دیگر عناصر ریز و درشت حکومت، عمدتا اتهام و انتقاد به دولت و دستگاه های ناظر آن را به همراه آورده است.

قرار بود مصطفی پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور همراه با محمود بهمنی، رئیس بانک مرکزی در صدا و سیما حاضر شود و جزئیاتی را در باره «زویای پنهان» این اختلاس بیان کند. اما دست اندرکاران این برنامه در ساعات پایانی روز دوشنبه ۲۱ شهریور ۹۰، اعلام کردند که مقامات دولتی مانع حضور بهمنی در تلویزیون شده اند.

فاضل موسوی، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اقرار کرده که دولتی ها در این اختلاس دخیل بوده اند. غلامرضا اسداللهی، عضو دیگر کمیسیون ۹۰ هم پیش از این اعلام کرده بود که بررسی پرونده این اختلاس و ارتباط آن با «جریان انحرافی» در اولویت کار این کمیسیون قرار دارد. علی اکبر ترکان، وزیر سابق راه و ترابری و معاون وزیر نفت در دولت دهم، در گفتگو با «خبرآنلاین»، از ضرورت واکنش دولت به این اختلاس یاد کرده و گفته که «قطعا گروهی متشکل از مسئولان بالارتنه دولتی به عاملان این اختلاس کمک کرده اند.»

غلامرضا مصباحی مقدم، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس خواستار استعفای جهرمی مدیرعامل بانک صادرات شده و گفته در غیر این صورت باید منتظر بررسی های قضایی شد و دید که آیا این تخلف منجر به برکناری وی می شود یا نه.

در این میان، اکبر سهیلی پور، رئیس سازمان حسابرسی که مسئولیت حسابرسی بانک صادرات و حدود هزار شرکت دیگر را بر عهده دارد، به خبرگزاری فارس گفته که نمی توان تنها بانک صادرات یا ۷ بانک دیگر را در اختلاس کلان اخیر مقصر دانست و این موضوع باید توسط دستگاه قضایی بررسی دقیق شود.

روزنامه کیهان، در سرمقاله ای مشخصا «جریان انحرافی» را متهم کرد که طی سال های گذشته، کوشیده است با ایجاد بنگاه های اقتصادی و مالی، هدف های «پیدا و پنهان» خود را دنبال کند. هم چنین، خبرگزاری فارس، که مانند روزنامه کیهان زمانی از حامیان سرسخت محمود احمدی نژاد بود، در گزارش های متعددی به نقل از اشخاص مختلف بر ارتباط مقامات دولت احمدی نژاد با این اختلاس بزرگ تاکید کرده است.

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه چند روز پیش مجلس که با هدف بررسی ایجاد اختلاس و شنیدن گزارش نمایندگان دولت برگزار شد، ادعا کرد: «هدف اختلاس، ضربه زدن به اقتصاد و اعتماد عمومی بود.»

اصول گرایان، همواره درباره اختلاس رخ داده در بانک های دولتی ایران سخن می گویند که تاکنون هیچ کدام از تخلفات مالی و اداری دولت در شش سال گذشته که به قول رئیس دیوان محاسبات کشور رکورد دار تخلف در سی سال اخیر است، به سر انجام نرسانده اند. هنوز نه سرنوشت ۱۲ میلیارد دلار بودجه کم شده نفت بعد از گذشت یک سال مشخص است و نه کسی جواب گوی بدهی های میلیاردی چندین ساله دولت است. و نه قوه قضائیه که ماه هاست وعده داده پرونده تخلفات دولت را خارج از نوبت رسیدگی کند. اما این وعده عاقبتی بهتر از وعده مبارزه با فساد احمدی نژاد پیدا نکرده است.

بعد از افشا و پرده برداری از اختلاس ها در «پنج بانک بزرگ کشور که توسط مجتمع امور اقتصادی فاش شد»، «اختلاس چند ده میلیاردی در بانک تجارت شعبه میدان انقلاب تهران»، «اختلاس در شعبه بانک ایران و ونزوئلا»، «اختلاس چند میلیاردی رئیس انتصابی یک بانک در تهران»، «تحصیل ۱۹۶ میلیاردی مال نامشروع از بانک سپه و تایید آن توسط مقامات قضایی»، «اثبات مجرمیت پنج متهم به کلاهبرداری میلیاردی از بانک های ملی و ملت»، «اختلاس چند ده میلیاردی از بانک تجارت»، «اختلاس ۱۳۹ میلیارد تومانی در بانک ملی بندرعباس» و این آخری ها، افشای «اختلاس بیش از یک میلیارد و صد میلیون تومان در استانداری تهران طی دولت های نهم و دهم» نشان می داد که این اتفاقات طی چند سال اخیر رخ داده و کشف نیز شده بود، اما موانع و «مصلحت هایی» مانع از رسانه ای شدن آن گردید تا هم چنان وضعیت آرام و مدیریت کشور توانمند و عاری از فساد نمایش داده شود.

پیگیری های الیاس نادران، نماینده منتقد دولت که بعدها او را نیز برای «مصلحت نظام به سکوت کرد، رسانه ها از نام یک مقام ارشد دولتی نزدیک به محمود احمدی نژاد، در راس چند پرونده و شبکه اختلاس بزرگ میلیاردی خبر دادند، که شخص رئیس دولت، البته با حمایت «رهبری» تاکنون مانع بازداشت، مواخذه و توقیف او شده است. از همان زمان اعلام شد در این پرونده ملی (بیمه ایران و خانه فاطمی و فساد مالی در کرج)، علاوه بر مقام ارشد هیئت دولت، تعدادی از مدیران ارشد و کارکنان دولت نیز حضور دارند.

این فرد کسی نبود جز محمدرضا رحیمی، عضو اسبق هیات ریسه مجلس، استاندار اسبق کردستان، رئیس سابق دیوان محاسبات و معاون پارلمانی سابق رئیس جمهور و معاون اول رئیس دولت دهم، پاییز ۸۷ (زمان افشای مدرک جعلی همانند عوضعلی کردان، وزیر کشور دولت نهم) و بعد از افشای پرونده فساد مالی (در زمان معاونت اولی احمدی نژاد)، او را در افکار عمومی مطرح ساخت.

همان زمان الیاس نادران، مدرک دکترای رحیمی (دوقلوی مدرک کردان) و برخی مسائل مالی جدید و قدیم را مورد پرسش قرار داد و درسایت «الف»، متعلق به رئیس مرکز پژوهش های مجلس «احمد توکل» مانند قضیه مدرک جعلی علی کردان، متذکر گردید «جناب آقای رحیمی، لایذ اطلاع دارید آقایان جابر ابدالی، حمزه نویس و مسعودی در چه شرایطی هستند... بفرمائید که چک های چند میلیارد تومانی و چند صد میلیون تومانی که به حساب شما واریز شده بود، از چه حساب هایی

و مربوط به چه افرادی می باشد؟... می دانم در جریان انتخابات مجلس هشتم پول هایی را بین نامزدهای مجلس توزیع کرده اید. آیا ممکن است نسبت به منشاء این پول ها توضیح بفرمائید تا...»
سایت متعلق به علی زاکانی «جهان نیوز»، همان زمان با بیان این نکته که «رد پای یک مسئول در باند فساد بیمه ای کرج دیده می شود»، نوشت «یک چهره جنجالی و مسئول که دارای اتهامات متعدد فساد مالی و سیاسی بوده و در حال حاضر نیز دارای مسئولیت است، منم به همکاری و شراکت با یک باند فساد مالی در بیمه ایران شعبه کرج است. فعالیت این جریان فساد به این نحو بوده است که پرونده های مختومه را یک بار دیگر به جریان می انداختند و دوباره برای آن ها حکم صادر کرده و پول آن را خودشان برداشت می کردند و با همین شگرد میلیاردها تومان اختلاس کردند...»

همان زمان رسانه ها از محفل «کرج» که از سه نام کردان، رحیمی و جهرمی گرفته شده، و به ارتباط عوضعلی کردان وزیر سابق کشور، محمدرضا رحیمی معاونت رییس دولت نهم و معاون اول فعلی وی و محمد جهرمی وزیر کار دولت قبل باز می گشت، اشاره کرده و از قول منابع آگاه گفته بودند این سه تن از زمان دولت هاشمی رفسنجانی با یکدیگر پیوندی عمیق داشتند... آن موقع که جهرمی استاندار فارس بود، رحیمی استاندار کردستان و کردان فرماندار گنبد کاووس بود و هرگاه یکی از ایشان به منصبی می رسید، دو نفر دیگر نیز بی نصیب نمی ماندند؛ چنان که در دولت نهم جهرمی وزیر کار شد، رحیمی ریاست دیوان محاسبات را برعهده گرفت (سپس معاونت اولی رییس دولت) و کردان ابتدا معاون جهرمی در سازمان فنی و حرفه ای، سپس قائم مقام وزارت نفت و نهایتاً با حمایت جهرمی و رحیمی، وزیر کشور شد.

همه این ها نشان می داد که اراده ای جدی در رسیدگی به پرونده و اتهامات مالی و فساد سنگین اقتصادی مدیران انتصابی وجود ندارد و اگر هم برخی مقامات قضایی وعده می دهند، و نیز چند نماینده مجلس قصد پیگیری مواردی را دارند، یک اراده فراقانونی و مافوق، مانع از رسیدگی و حتی ورود به میران ارشد می شود. هم اکنون حدود هجده ماه از وعده های صادق لاریجانی، برای رسیدگی به پرونده اختلاس های محمدرضا رحیمی گذشته و بیش از یک سال از پیگیری های بی نتیجه الیاس نادران و علی مطهری و احمد توکلی...
اما بعد از ماجرای برکناری وزیر اطلاعات توسط احمدی نژاد و ابقاء او توسط «رهبری»، کشمکش میان حامیان خامنه ای با طیف دولتی که به «جریان انحرافی» موسوم شدند، شدت گرفت. موج افشای اختلاس های کلان و بی سابقه در بانک های کشور و ارگان های حکومتی، به حوزه مدیران و رهبران جریان انحرافی، یعنی حمید بقایی، معاون اجرایی و اسفندیار رحیم مشایبی، مشاور و رییس دفتر احمدی نژاد رسید.

در همین راستا، سایت «الف» وابسته به احمد توکلی رییس مرکز پژوهش های مجلس نیز، ماه گذشته پیرامون «رانت خواری بزرگ در شرکت خصوصی متصل به حلقه قدرت - ثروت»، نوشته بود: «شرکت سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران مشهور به سمگا با سرمایه بیست میلیارد تومان به ثبت رسیده و تاسیس شده است، طرف مدت کوتاهی توانست شش شرکت اقماری بزرگ تاسیس کند. یکی از شرکت های مولود سمگا، بانک جدیدالتاسیس «گردشگری» است که در بدو تولد، سرمایه آن ناگهان از دویست میلیارد به ششصد میلیارد تومان افزایش پیدا کرده و اسفندیار رحیم مشایبی و حمید بقایی جزو اولین سهام داران شرکت سمگا بوده اند و مدیرعامل این شرکت، مهدی جهانگیری، معاون سابق مشایبی در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری است. (جهانگیری همان کسی است که پس از ماجرای مشهور حمل قرآن با موسیقی و دف، تحت فشار علما ناچار به استعفا شد.) جهانگیری پس از استعفا از معاونت سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی، شرکت خصوصی سمگا را تاسیس کرد و با حمایت ویژه دولت، همکاری مالی حداقل ده بانک، موسسه مالی و شرکت سرمایه گذاری را جلب کرده است. این شرکت ابتدا قرار بود با عنوان «صندوق سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری» فعالیت کند، اما بعداً به نام «شرکت سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری- سمگا» تغییر نام داد.»

مشایبی، حمید بقایی (رییس و معاون وقت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری) و مهدی جهانگیری (معاون مستعفی مشایبی) در مراسم آغاز پذیره نویسی شرکت خصوصی سمگا، اردیبهشت ۸۸ شرکت کرده و سهامدار آن می شوند. همان روز پنجاه درصد و طی چهار روز بعد، صد درصد سهام عرضه شده شرکت سمگا توسط بانک ها، موسسات سرمایه گذاری و فردا مطلع، خریداری شد و پذیره نویسی سمگا قبل از موعد پیش بینی شده به پایان رسید. یکی از رانت های ویژه برای سمگا، واگذاری ۱۲۵۸۸۰۰ متر مربع از زمین های لوبران در شمال شرقی تهران به این شرکت خصوصی بوده است.

شایان ذکر است که برای این واگذاری نه تنها مزایده ای برگزار نشد، بلکه براساس مصوبه هیات وزیران و صورت جلسه ۲۲ اسفند ماه ۸۸، کل زمین های فوق باید به صورت رایگان به شرکت خصوصی سمگا واگذار می شد.

نامه رحیم مشایبی، نشان می دهد که واگذاری پروژه رامسر به نور و هم چنین واگذاری سهام شرکت فولاد خوزستان بدون برگزاری تشریفات قانونی مزایده و مناقصه برگزار شده است. دو سال پیش نیز احمدی فاسمی، سرپرست دادسرای امور اقتصادی، از «صدور کیفرخواست برای ۲۵۷ نفر» خبر داده و اعلام کرده بود: «بیش ترین پرونده های مفساد اقتصادی، به دستگاه ها و

مدیران دولتی مربوط می شود که جمع کل اموال این افراد بالغ بر هزار و ۲۶۵ میلیارد تومان می باشد.»

البته تاکنون بعد از بالا گرفتن اختلافات بین احمدی نژاد و اصول گرایان منتقدش، با وجود فاش شدن جزئیات پرونده های متعدد فساد در دولت احمدی نژاد و اصرار برخی چهره های اصول گرا، هیچ گاه مسایلی چون پروژه تالارهای بین المللی کیش، سهام شرکت سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران (سمگا)، بانک گردشگری، اپراتور سوم تلفن همراه، تخلفات مناطق ویژه اقتصادی و چندین مورد دیگر، راهی به پرونده های دستگاه قضایی حکومت اسلامی پیدا نکرده اند. بنابراین، ماجرای فساد مالی و اداری محمود احمدی نژاد و نزدیکانش ماجرای امروز و دبروز نیست. مساله ۲۵۰ میلیارد تومان هزینه بدون سند شهرداری در سال های ۸۲ تا ۸۴ که وی شهردار تهران و قبل از آن هم اختلاس در استانداری اردبیل که احمدی نژاد استاندار آن جا بوده هم چنان بی پاسخ مانده است. علاوه بر این پرونده فسادهای مالی چون موسسات «بهریست بنیاد» و «بهریست پترولیوم» که متهم به دخالت در قاچاق محصولات پتروشیمی هستند، برداشت ۸۵۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی بدون مجوز مجلس، ۲۵۰۰ تخلف مالی مقامات دولت نهم با استناد به اظهارات رئیس دیوان محاسبات، عدم واریز هزار میلیارد تومان (یک بیلیون دلار) از مازاد درآمدهای نفتی کشور به خزانه عمومی، نامشخص بودن سرنوشت ۵۲ میلیارد تومان در جریان برداشت جداگانه دولت از حساب ذخیره ارزی کشور و ده ها مورد دیگر نیز در کارنامه مدیریتی محمود احمدی نژاد به چشم می خورد.

پنج ماه پیش وقتی که چند تن از نزدیکان اسفندیار رحیم مشایی با اتهاماتی چون اشاعه خرافاتی گری، بازداشت شده بودند، آیت الله صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه اتهام نزدیکان رئیس دفتر احمدی نژاد را محدود به این موارد ندانست و با گفتن این جمله که «جریان انحرافی در مفاسد اقتصادی هم غوطه ورنند و بی امان جلو می روند» وعده داد که به زودی با توسل به برخورد قضایی جلوی فعالیت های نزدیکان رئیس جمهور را خواهد گرفت. این وعده اما هیچ گاه عملی نشد. گر چه شائبه بازداشت اسفندیار رحیم مشایی و حمید بقایی باعث شد تا این دو چند صباحی از منظر عموم دور باشند. اما حضور دوباره آن ها در کنار محمود احمدی نژاد در هفته های جاری حکایت از آن داشت که دیگر آب بازداشت و دستگیری این دو از آسیاب افتاده است.

بی شک، سر نخ عدم برخورد جدی دستگاه قضایی حکومت اسلامی با تخلفات و مفاسد اداری و مالی دولت، به آیت الله خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی می رسد.

به این ترتیب، همه این خبرها در رابطه با اختلاس های کلان در درون حکومت اسلامی، نشان دهنده این واقعیت غیرقابل انکار است که دزدی در این حکومت چه قدر ساده و بی مهاباست. در حالی که در همین حکومت، افرادی که از سر فقر و نداری و ناچاری، دست به دزدی می زنند به زندان و شلاق و قطع دست و پا نیز محکوم می گردند؟ اما دزدهای کلان اموال عمومی مردم، کم ترین ترسی از دزدی و چپاول ندارند. چرا که کل این حکومت جانی و غارنگر است.

حکومتی که زیربنایش با جهل و خرافات اسلامی، وحشت و ترور، زندان و شکنجه، اعدام و سنگسار گذاشته شده، تجاوز روزمره به جان و مال و حقوق مردم و غارت اموال عمومی در همه ارگان های آن اجتناب ناپذیر است.

اصولا بانک مرکزی و ارگان های نظارتی و بازرسان اقتصادی دولتی، متصدی اصلی «نظارت بر بانک ها و موسسات مالی و اعتباری» کشور هستند که هنوز هیچ کدام پاسخ قانع کننده ای در رابطه با این اختلاس های کلان به جامعه نداده اند و بیش تر از موضع توجیه گری ظاهر می شوند. شاید یک دلیل مهم این است که در این اختلاس ها، قبل از افراد، پای کلیت حکومت در میان است. سنوآل این است که یک شهروند معمولی برای گرفتن وام از بانک های کشور، باید سند و ضامن داشته باشد تا مبلغی را برای خرید ماشین و خانه و حتی برای تشکیل خانواده قرض کند. پس چگونه است که افرادی بدون سند و ضامن، تنها با یک تلفن و توصیه مقامات دولتی، میلیاردها دلار وام از بانک ها می گیرند و حتی حاضر هم نیستند این وام ها را به بانک ها برگردانند؟

در حالی که روشن است بدون همکاری های مقامات و مسئولین دولتی و روسای بانک ها و سرمایه داران و تاسیس کنندگان بانک خصوصی در کشور و آن هم در چارچوب قوانین خصوصی سازی حکومت اسلامی، مگر امکان پذیر نیست از بانک های دولتی وام های کلان بگیرند و تحت عنوان خصوصی سازی بانک خصوصی در کشور تاسیس کنند؟!

به این ترتیب، یکی از حوزه های مهم در زمینه فساد اقتصادی در نظام بانکی مربوط به بانک و موسسات دولتی و خصوصی است. همان طور که قائم مقام بانک مرکزی، در اظهارات خود بر آن اقرار کرده است چگونه یک فرد به راحتی می تواند از طریق سرمایه های اخذ شده از محل منابع بانکی اقدام به تاسیس یک بانک جدید کند. اقرار به این مساله از سوی این مقام بلندپایه بانک مرکزی، مهر تاییدی بر عدم خودنظارتی بانک مرکزی و عدم نظارت دولت بر مجموعه تحت مدیریت خویش و اختلاس و دزدی های گسترده در آن ها است.

سازمان بازرسی کل کشور، در جریان بررسی وضعیت مالی استانداری تهران و برخی فرمانداری های تابعه، سوء جریان مالی به میزان بیش از یک میلیارد و صد میلیون تومان را گزارش کرده است. آن طور که رسانه ها گزارش کرده اند بخشی از چک ها و وجوه پرداختی از سوی معدن داران، به عنوان پاداش و عیدی، در برخی از اداره استانداری تهران از جمله اداره کل دفتر فنی استانداری تهران خرج شده. گفته می شود بخش دیگری از این وجوه به حساب فردی یک فرد،

همسر و سایر بستگان وی واريز شده که ارزش کلی این میزان انحراف مالی، نزدیک به یک میلیارد و صد میلیون تومان برآورد شده است.

برخی گزارش ها می گوید در بازرسی های سازمان بازرسی کل کشور مشخص شد تعدادی خودرو برای فرمانداری های شهرهای استان تهران خریداری شده که هنوز در لیست اموال نیامده. وجه مربوط به این خودروها با عنوان «همیاری» و «هبه» از اشخاصی که هویت آن ها مشخص نشده، دریافت شده بود.

استاندار تهران، در واکنش به این خبر تهدید کرده که «دروغ سازان را پای میز محاکمه می کشانیم.» او مدعی شده «یک پرونده تخلف در استانداری تهران که مربوط به دوره های قبل بوده است را به مدیریت کنونی ربط داده اند.» سازمان بازرسی کل کشور، در جریان بررسی وضعیت مالی استانداری تهران و برخی فرمانداری های تابعه، سود جریان مالی به میزان بیش از یک میلیارد و صد میلیون تومان را گزارش کرده است!

مرتضی تمدن گفته است: «این هم از جمله دروغ های بزرگی است که متاسفانه برخی سایت های خبری منتسب به افراد خاص، این روزها منتشر می کنند.»

هم زمان با انتشار این اخبار محمدتقی رهبر، عضو کمیسیون قضایی مجلس از وجود فردی خبر داده است که «با حمایت برخی آقایان هزار و پانصد میلیارد تومان بدون هیچ پشتوانه ای از یک بانک دولتی» وام گرفته است. او دولت را به «رفیق بازی در دادن وام های نابه جا و هنگفت و هم چنین مبارزه با چنین فسادهایی» متهم کرده است. عضو کمیسیون قضایی می گوید: «دولت نباید بدون در نظر گرفتن حضور و فعالیت آن ها در عرصه اقتصاد، غایبانه تصمیم گیری کند. دولت باید ضمن تقویت زیر ساخت ها، بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی و دستور العمل های آن، سرمایه های ملی را عادلانه توضیح کند تا خدایی ناکرده فساد اقتصادی بیش از این گسترش نیابد.»

ارسلان فتحی، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، برای توصیف ابعاد اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات گفته است: «با مبلغ اختلاس شده، دولت به راحتی می توانست برای یک میلیون نفر از جوانان بی کار کشور، شغل ایجاد کند.»

طی ماه گذشته نیز موارد متعددی چون اختلاس ۱۲ میلیارد ریالی کارمند بانک رفاه کارگران، اختلاس ۲۷ میلیارد ریالی یک کارمند بانک تجارت، کلاهبرداری یک میلیون دلاری در بانک ملی ایران، اختلاس ۱۳۹ میلیاردی از بانک ملی در استان هرمزگان، کلاهبرداری یکصد و نود و شش میلیارد از بانک سپه و چندین مورد دیگر نیز از فساد مالی و اختلاس گزارش شده است. این موارد تنها مربوط به موارد فاش شده طی ماه های مرداد تا نیمه شهریور سال جاری است.

بعد از این اتفاقات، مدیرعامل سازمان حسابرسی وزارت امور اقتصاد و دارایی نسبت به رشد قارچ گونه شرکت ها بدون کنترل حسابرسی بر آن ها انتقاد کرد و گفت: «بیش از ۲۰۰ هزار شرکت در حال فعالیت اقتصادی، فاقد شفافیت مالی هستند.» اکبر سهیلی پور که در گفتگو با خبرنگار ایلنا، این سخنان را بیان کرده بود، پیش از این نیز به گفته روزنامه تهران امروز، از سوء استفاده های مالی با جعل دفاتر خبر داده و گفته بود که جعل دفاتر، امکان رسیدگی حسابرس را سلب می کند.

در رابطه با اختلاس سه میلیارد دلاری، هر کدام از رسانه های وابسته به جناح بندی های درون حکومت اسلامی، تحلیل ها و گزارش های متفاوتی از این اختلاس داده اند. برای مثال، روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی، در سرمقاله خود تحت عنوان «مانع تراشی صاحبان قدرت»، به دزدی اموال مردم توسط سران حکومتی اعتراف کرده و نوشت: باندهای قدرت در کشور برای سرپوش گذاشتن بر مفاسد اقتصادی خود و هم دستان خود، حتی قوه قضائیه را تحت فشار قرار می دهند. بسیاری از همین صاحبان قدرت، خودشان از حامیان و حتی شرکای همان مفسدان اقتصادی هستند که آخرین نمونه، اختلاس ۲ هزار میلیارد تومانی از بانک صادرات است که در خبرهای مربوط به آن تصریح شده شخص متخلف با هم دستی بعضی از مسئولان رده بالای اجرایی مرتکب این فساد شده ولی تا امروز کسی به سراغ آن هم دستان نرفته و هم چنان در مناصب عالی حضور دارند، به عنوان مقامات رسمی به خارج از کشور سفر می کنند و سخن از مبارزه با مفاسد! می گویند. چنین واقعیت تلخی، ننگ بسیار بزرگی است.

روزنامه شرق، دوشنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۰ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱، اختلاس دیگری را اعلام کرد. در حالی که پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی بانک صادرات ایران، هم چنان در برده ابهام مانده، روزنامه «شرق» گزارش داد که یک اختلاس ۶۵۹ میلیون تومانی نیز در یکی از بانک های شهرستان سیاهکل کشف شده است. برپایه این گزارش، کارمند یکی از بانک های سیاهکل، در ۲۸ مورد در مجموع ۶۵۹ میلیون تومان از حساب مشتریان این بانک برداشت کرده است. این کارمند پس از اعتراف به اختلاس روانه زندان شده است.

کشف دو اختلاس طرف یک هفته، سیستم بانکی حکومت اسلامی را به شدت به زیر ضرب برده است. به ویژه پرونده اختلاس ۲ میلیارد دلاری، به تدریج جنبه سیاسی پیدا کرده و جناح های رقیب را در درون حاکمیت ایران به صف آرانی تازه در برابر هم وادار می کند. حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در روزنامه «کیهان»، در سرمقاله این روزنامه نوشته است: «اختلاس نجومی ۲ هزار میلیارد تومانی نمی تواند بدون زدوبند غارتگران با برخی از مسئولان و دست اندرکاران صورت پذیرفته باشد. اما سؤال این است که مدیران زدوبندکننده چه کسانی بوده اند؟»

پس از انتشار سرمقاله «کیهان»، غلامرضا اسداللهی، عضو هیئت رئیسه کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، در تماس با خبرنگاری فارس، اعلام کرده که این کمیسیون ارتباط «جریان

انحرافی» را با پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بانک صادرات با اولویت بررسی می کند. اسداللهی، اضافه کرده است: «این اختلاس بزرگ ترین تخلف مالی در سطح کشور است و کمیسیون اصل نود توجه ویژه ای به آن دارد.»

به گزارش «شرق»، رییس کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی نیز، اختلاس ۳ میلیارد دلاری را با جریانات سیاسی مرتبط می داند. حمیدرضا فولادگر، گفته است: «مناسفانه برخی ارتباط های سیاسی نیز در این پرونده پیدا و باعث ظهور رانت خواری و سوء استفاده از بیت المال شده است.»

به گزارش خبرنگار اقتصادی مشرق، ۲۱ شهریور ۱۳۹۰، طرح ملی راه آهن شیراز - بندرعباس بدون برگزاری مناقصه و با همکاری گسترده بانک ملی با گروه امیر منصور آریا به شرکت تراورس واگذار شده بود.

برآورد اولیه از انجام این کار در حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان بود که پیش بینی ها از افزایش حجم ریالی پروژه تا ۲ هزار میلیارد تومان حکایت می کند.

مدیر عامل تراورس، در تیر ماه امسال با افتخار اعلام کرده بود که در ساخت راه آهن شیراز - بندرعباس برای اولین بار از فاینانس داخلی استفاده شده است. حال که ابعاد پرونده فساد مالی گروه آریا آشکار شده است خوب است مدیر عامل بانک ملی به صراحت اعلام کند با چه توجیه فنی و اقتصادی بیش از هزار میلیارد تومان از منابع بانک را درگیر چنین طرحی کرده است.

گزارش مشرق، حاکی است که امیرمنصور خسروی، در جریان واگذاری های سازمان خصوصی سازی و در حرکتی کامل مشکوک توانست شرکت تراورس که از مهم ترین شرکت های پیمان کار در عرصه راه آهن کشور است را خریداری کند.

جالب است که شرکت تراورس، به صورت ده ساله به امیرمنصور خسروی و به قیمت ۱۲۰ میلیارد تومان واگذار شد.

حال سنوآل این جاست که چگونه یک فرد توانایی دارد از یک طرف با همکاری سازمان خصوصی سازی شرکت معظمی چون تراورس را خریداری کند که نزدیک به هشت هزار نفر کارمند دارد و از طرف دیگر با تنهایی بتواند به صورت ترک تشریفات مناقصه پروژه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی را تصاحب کند. همکاری بانک ملی در خصوص گروه امیرمنصور آریا دارای ابعاد پیچیده است که امیدواریم مسوولان مربوطه بتوانند در این خصوص توضیحات کافی ارائه کنند.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر گروه آریا در پروژه راه آهن شیراز - بندرعباس تنها ۱۰ درصد سود ببرد رقمی در حدود ۱۲۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان خواهد شد و این در حالی است که رقم خریداری شده شرکت تراورس کم تر از ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است.

بانک مرکزی ایران، برای جلوگیری از رواج دلالی در بازار ارز، از مدتی پیش تصویب کرده است که ۲ هزار دلار یا ۱۲۵۰ یورو ارزش رسمی در اختیار هر مسافر قرار گیرد. اما به نوشته تارنمای «الف»، نوشته است: «برخی کارمندان بانکی واحدهای ارزی، خودشان به دلالی ارز دامن می زنند.»

به گزارش پایگاه اینترنتی رییس مرکز پژوهش های مجلس، کارمندان شعبه های ارزی، برای کسب درآمد از محل ارزهای خارجی شکر عجبی به کار می برند. آن ها به مشتریانی که با در دست داشتن گذرنامه ساعت ها در صف دریافت ارز رسمی ایستاده اند، می گویند فقط اسکناس های ۵۰۰ یورویی دارند. به این ترتیب، مشتری یا باید به دریافت دو اسکناس ۵۰۰ یورویی اکتفا کند، یا در خارج از بانک ۱۵۰ یورو بخرد، دوباره در صف بایستد، ۱۵۰ یورو بدهد و اسکناس ۵۰۰ یورویی سوم را دریافت کند. اما اکثر مشتریان تحمل ساعت ها اتلاف وقت دیگر را ندارند و به دریافت هزار یورو اکتفا می کنند.

کارمند بانک از این راه ۲۵۰ یورو بابت هر مسافر در اختیار دارد که می تواند آن را در بازار آزاد بفروشد. احمد توکلی، از بانک مرکزی ایران خواسته است که برای جلوگیری از این سوء استفاده ها اقدام کند.

بر اساس نامه جدیدی که چند روز پیش منتشر شد اسفندیار رحیم مشایبی در تاریخ ۷ مهر سال ۱۳۸۹، از دو وزیر کابینه محمود احمدی نژاد خواسته است که سهام شرکت فولاد خوزستان بدون برگزاری تشریفات قانونی مزایده به گروه امیر منصور آریا که متعلق به خسروی است واگذار شود. این نامه را دیروز سایت «مشرق نیوز» منتشر کرد و بلافاصله تعداد زیادی از خبرنگار ها و سایت های فارسی زبان نیز اقدام به باز نشر آن کردند.

چنان که از متن این نامه بر می آید واگذاری فوق قرار بوده در قالب شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه راه آهن (تراورس) انجام شود؛ مشرق نیوز مدعی شده که امیر منصور خسروی در جریان واگذاری های سازمان خصوصی سازی و در حرکتی کاملاً مشکوک توانسته شرکت تراورس که از مهم ترین شرکت های پیمان کار در عرصه راه آهن کشور است را خریداری کند. شرکت تراورس نزدیک به هشت هزار نفر کارمند دارد.

هم چنین در این زمینه عنوان شده شرکت تراورس به صورت ده ساله به امیر منصور خسروی و به قیمت ۱۲۰ میلیارد تومان واگذار شد. این در حالی است که اگر این گروه فقط در پروژه راه آهن شیراز - بندرعباس تنها ۱۰ درصد سود ببرد رقمی در حدود ۱۲۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان به دست می آورد.

سایت مشرق نیوز، دو نامه از اسفندیار رحیم مشایبی خطاب به وزیر اقتصاد و راه و ترابری منتشر کرده که محتوای آن تسریع در واگذاری سهام شرکت فولاد خوزستان به «گروه امیر منصور آریا عامل اصلی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی» است.

به جز این نامه، سند دیگری هم منتشر شده که نشان می دهد پروژه رامسر به نور نیز بدون برگزاری تشریفات قانونی مزایده و مناقصه به گروه امیر منصور آریا واگذار شده است.

سایت های اصول گرا، پس از انتشار نامه اسفندیار رحیم مشایبی سناریوهایی را در رابطه با تسلط «گروه آریا» بر اقتصاد کشور مطرح کرده اند. گروه آریا متعلق به امیر خسروی است که در سال ۱۳۸۸ توانست مالکیت «گروه ملی فولاد ایران» با تمامی کارخانه های زیر مجموعه آن را تحت عنوان خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ از محمود احمدی نژاد دریافت کند.

روز پنج شنبه، ۲۴ شهریور ۱۳۹۰ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱، خبرگزاری ایرنا، متن اطلاعیه مرکز ارتباطات دفتر رییس جمهوری درباره اتهام ارتباط این دفتر با ماحرای موسوم به «اختلاس بانکی سه هزار میلیارد تومانی» را منتشر کرد که در آن، از انتشار توصیه نامه ای به امضای اسفندیار رحیم مشایبی، رییس این دفتر، به عنوان نشانه ارتباط او با متهم اصلی این پرونده به شدت انتقاد شده است.

دفتر رییس جمهوری ایران، بیانیه ای منتشر کرده و توصیه اسفندیار رحیم مشایبی به وزیر اقتصاد در باره واگذاری شرکت فولاد خوزستان به برخی عوامل اختلاس را یک مکاتبه عادی خوانده است.

یک روز پیش از انتشار بیانیه دفتر رییس جمهوری، احمدی نژاد در اردبیل گفته بود که دولتش «پاک ترین» دولت تاریخ است و پاسخی به اتهام های جاری نمی دهد. رییس دولت دهم افزوده بود که این سکوت به خاطر آیت الله خامنه ای است، اما طولانی نخواهد بود.

درست در بحبوحه درگیری نظام بانکی و اداری حکومت اسلامی با این اختلاس ۲ میلیارد دلاری، مجمع جهانی اقتصاد در تازه ترین گزارش خود، موسوم به «گزارش رقابت پذیری جهانی» و بعد از بررسی عملکرد ۱۴۲ دولت جهان اعلام کرد که دولت محمود احمدی نژاد، جزو ۲۰ کشور نخست از نظر عدم رعایت شفافیت در سیاست گذاری خود است.

این گزارش، نشان می دهد حکومت اسلامی ایران، با کسب نمره ۲ و نیم، از نظر میزان شفافیت در سیاست گذاری های خود، در رتبه ۱۲۵ از این نظر قرار گرفته است. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، حکومت اسلامی ایران، در کنار یمن، هائیتی، رومانی، ونزولا، چاد، الجزایر، ماداگاسکار، بوسنی، تیمور، بلغارستان، سوریه، کره شمالی، بولیوی، نیکاراگوئه، آنگولا، از جمله غیرشفاف ترین دولت های جهان قرار دارد.

به این ترتیب، ابعاد فساد اداری و مالی در ایران به حدی گسترده و وسیع است که برخی نهادهای بین المللی نیز ایران را در ردیف فاسدترین کشورهای جهان قرار داده است. بنا به گزارش سالانه «سازمان شفافیت بین المللی»، حکومت اسلامی از جمله یکی از هشتم حکومت فاسد جهان است و از این لحاظ تنها با حکومت های کشورهای نظیر سومالی، سودان، افغانستان و عراق قابل مقایسه است.

البته نخستین بار نیست که نام بانک صادرات ایران در پرونده های میلیارد دلاری اختلاس مطرح می شود. پیش از این و در اوایل دهه ۷۰ نیز نام محسن رفیق دوست وزیر سپاه در دوران جنگ ایران و عراق و رییس سابق بنیاد مستضعفان و جانبازان همراه با برادر او و فردی به نام فاضل خداداد در پرونده اختلاس ۱۲۲ میلیارد تومانی از این بانک به میان آمد.

دستگاه قضایی، حکومت اسلامی ایران در آن هنگام مرتضی رفیق دوست را به حبس ابد و فاضل خداداد را به اتهام مقصد فی الارض به اعدام محکوم کرد. در آن پرونده گفته شد که این دو با نفوذ محسن رفیق دوست موفق به این اختلاس شدند اما وزیر سپاه که از مشهورترین چهره های جناح راست است و از روزی که رانندگی آیت الله خمینی را هنگام بازگشت به ایران به عهده گرفت، همواره شغل های پراهمیتی داشته است، فقط به عنوان مطلع در دادگاه حضور یافت و هرگز محاکمه و محکوم نشد.

رفیق دوست، هم اکنون نیز یکی از بزرگ ترین سرمایه داران ایران است که با برخورداری از چندین شرکت تجاری و بازرگانی و عضویت در حزب مؤتلفه اسلامی، خود را یک فعال بخش خصوصی می داند.

در چنین شرایطی، رییس مرکز آمار نیز پیش از این اعلام کرده بود که ۷۰ درصد ایرانی ها کم تر از ۴۵۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند. جامعه ایران، سال هاست به دلیل کمبود اعتبار با هزاران بحران و مشکل روبروست. عمر اجرای پروژه های عمرانی در ایران بسیار بیش تر از استانداردهای بین المللی است. به دلیل کمبود اعتبار هزاران طرح عمرانی نیمه کاره روی دست دولت مانده است. اغلب وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی از کمبود اعتبار و بودجه می نالند. سرانه ورزش و پیشگیری از اعتیاد و پیشگیری از بیماری ها و مصرف شیر و... در ایران، پایین تر از استانداردهای جهانی است.

هزینه توسعه هر فاز پارس جنوبی را سایت شرکت پتروپارس از پیمان کاران پارس جنوبی، یک میلیارد دلار اعلام کرده است. یعنی چیزی در حدود هزار میلیارد تومان. هزینه توسعه هر فاز پارس جنوبی ۲ میلیارد دلار است یعنی ۲ هزار میلیارد تومان و ایران برای تامین همین هزینه سال ها

معطل چین و فرانسه و... مانده است و برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی سال ها در انتظار چین است و احتمال تعلیق قرارداد نیز می رود.

با سه هزار میلیارد تومان می شد یک فاز پارس جنوبی را توسعه داد و درآمدی برابر با ۲/۵ میلیارد دلار در یک سال برای کشور ایجاد کرد. این رقم با احتساب قیمت های فعلی است.

دعوی شهرداری و دولت بر سر مترو ۵ سال طول کشید. کل جنجال ها بر سر ۲ میلیارد دلار بود. همه این رقم نیز برای تهران نبود. متروی تهران، یک میلیارد دلار از این اعتبار را می خواست و متروی کلان شهرها یک میلیارد دلار دیگر را. بلیت مترو قرار بود به آستانه هزار تومان برسد و نرسید اما کل ماجرا را رقمی در حدود ۲ هزار میلیارد تومان یا دو میلیارد دلار حل می کرد و با سه هزار میلیارد تومانی که اختلاس شده می شد توسعه مترو را هم در تهران و هم در کلان شهرها سرعت داد.

طرح فاضلاب تهران تا سال ۱۳۹۷ تکمیل نخواهد شد. چرا که کمبود اعتبار مانع از اجرایی شدن به موقع این طرح شده است. مدیرعامل شرکت فاضلاب گفته است کسری ۱۴۰ میلیارد تومانی از برنامه ۵ ساله اول باعث شده تا کار احداث شبکه فاضلاب، با برنامه مصوب اختلاف قابل توجهی داشته باشد. بودجه یک سال شرکت فاضلاب پس از افزایش به ۷۴ میلیارد تومان رسید. با سه هزار میلیارد تومان می شد نه فقط فاضلاب تهران را سر و سامان داد و تهرانی ها را از شر نینترات آب راحت کرد بلکه آب شرب و بهداشتی را به بسیاری از شهرها و روستاها رساند.

برآورد ریالی از میزان اعتبار مورد نیاز برای تکمیل آزادراه تهران- شمال حدود ۲۵۰۰ میلیارد تومان است. عملیات ساخت این آزاد راه از ۳۴ سال قبل آغاز شده است و کمبود اعتبار مانع از بهره برداری به موقع این آزادراه شده است. با سه هزار میلیارد تومان به قیمت های امروز می شد این آزادراه را تکمیل کرد و پولی هم اضافه آورد.

مدیرکل سلامت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی آموزش و پرورش با اعلام این که سرانه بهداشت هر دانش آموز ایرانی هم اکنون ۵۵۰ تومان است، بر نیاز آموزش و پرورش و مردم به افزایش این سرانه تاکید کرد و گفت: در کشورهای دیگر حداقل سرانه بهداشت دانش آموزان یک هزار و ۵۰۰ تا دو هزار تومان است. بررسی ها نشان می دهد آموزش و پرورش به ۱۸ هزار نیروی بهداشت نیاز دارد در حالی که هم اکنون تنها سه هزار مربی بهداشت رسمی در مدارس فعال هستند.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، با ابراز تاسف از بودجه سه میلیارد تومانی پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان در ایران گفت: در دنیا برای پیشگیری از اعتیاد به ازای هر دانش آموز ۲۰ دلار هزینه می کنند و این رقم در ایران به ازای هر دانش آموز نیم دلار است.

سینمای ایران برای ساخت یک شهرک سینمایی به ۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که در اختیار ندارد. بودجه یک سال سینمای ایران، ۸۰ میلیارد تومان است. سینمایی بحران زده با سالن هایی بحرانی.

معاون وزارت بهداشت، گفته است: اگر دولت ۲ هزار میلیارد تومان پول بدهد همه بیمارستان ها را اصلاح می کنیم. سال گذشته، کل اعتباری که برای تجهیزات پزشکی در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفت، ۲۷ میلیارد تومان بود و از این مبلغ حدود ۷۰ درصد تخصیص داده شد. بررسی ها نشان می دهد هزینه تجهیز یک بیمارستان ۹۶ تخت خوابی، چیزی حدود ۴ تا ۷ میلیارد تومان است که بر اساس کارکرد و نوع فعالیت آن واحد بیمارستانی این اعتبار متفاوت است. وزیر بهداشت گفته است برای تجهیز اورژانس های قدیمی و بیمارستان های جدید چیزی در حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ میلیارد تومان نیاز داریم تا این بخش ها را تکمیل کنیم.

با ۲ هزار میلیارد تومان می توان ۱۵ سال ناوگان اتوبوس رانی را نو و سرچال نگه داشت. این اقدام از حجم دود موجود در هوا می کاهد و نفس راحت تر فرو می رود و راحت تر بر می آید.

کل پارانه ای که در یک ماه پرداخت می شود ۲ هزار و ۳۶۷ میلیارد تومان است. کمی بیش از سه هزار میلیارد تومان. سه هزار میلیارد تومان فقط در بانک صادرات ایران اختلاس شده است. اما این همه ماجرا نیست.

اگر قرار بود ۲ هزار میلیارد تومان میان ۷۵ میلیون ایرانی توزیع شود به هر کس رقمی در حدود ۴۰ هزار تومان می رسید. حال می توانید از بزرگی عدد بکاهید و به این بپردازید که با ۴۰ هزار تومان هر ایرانی چه می تواند بکند؟ نکته این جاست که رقم چندان کوچک نیست. ایرانی ها بابت هدف مندی پارانه ماهی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان از دولت دریافت می کنند.

مسلم، قبل از هر مساله ای باید تاکید کنیم که تاریخ اختلاس و غارت اموال عمومی مردم و حاصل کار و رنج مزدبگیران توسط سران و مقامات و مسئولین و ارگان های حکومتی و اطرافیان آنان، به ویژه آفازاده ها و نور چشمی ها، به اندازه عمر حکومت اسلامی است. و تازگی ندارد. اما آن چه که اکنون عیان تر است عمر دولت محمود احمد نژاد و تاریخ مصرف آن برای حکومت تمام شده است به همین دلیل، یک احتمال قوی این است که رهبر و طرفدارانش تعداد بیش ترکی از اطرافیان احمدی نژاد، از جماع معاونان آن، چون بقایی و مشایبی و رحیمی را قربانی کنند.

از موقعی که در حکومت نمایندگان خدا و امام زمان، بین رهبر و رئیس جمهوری اش شکر آب شده، شکاف بزرگی که در جناح اصول گرایان حاکم به وجود آمده و حملات به دولت احمدی نژاد نیز شدیدتر شده، بارها نمایندگان مجلس اعلام کرده اند که دولت حتی میلیارد دلار از درآمد نفت را به خزانه وارد نکرده و معلوم نیست صرف چه عرصه هایی کرده است. در سال های اخیر، در چارچوب

طرح خصوصی سازی به فرمان رهبر، نه تنها بسیاری از صنایع مادر و مهم کشور چون صنایع نفت و پتروشیمی و مخابرات و غیره به سپاه پاسداران و شرکت های وابسته به آن واگذار شده است، بلکه بسیاری از نزدیکان و اقوام سران و مقامات و مسئولین ریز و درشت حکومت نیز از این سفر پهن شده اموال عمومی و ثروت های جامعه، سهم خود را می برند. واژه «آفازاده» ها که ثروت های افسانه ای و غیرقابل تصویری دارند برای عموم جامعه ایران، واژه بسیار آشنایی است. در همین مملکت، اکثریت مردم شان نگران خود و فرزندان شان هستند. میلیون ها نفر از سر فقر، دچار انواع و اقسام آسیب های اجتماعی و روانی شده اند. دیگر کسی به کار کودکان در خیابان و تمیز کردن شیشه ماشین ها در پشت چراغ قرمزها، واکس زنی، گل فروشی و غیره مشغولند؛ متأسفانه عموم مردم توجه چندانی به کار کودکان ندارند و به یک امر عادی و پذیرفته شده در جامعه تبدیل شده است. هر سال میلیون ها کودک به دلیل فقر خانواده هایشان از تحصیل باز می ماند تا راهی بازار کار بی رحم شوند و از این طریق پولی به دست آورند و کمکی به نیازهای ابتدایی و ضروری خانواده های خود بکنند. بسیاری از این کودکان، به انواع مختلف مورد بهره کشی و ستم قرار می گیرند. زنان، به مثابه نصف جامعه هیچ گونه حق و حقوقی ندارند و میلیون ها زن خانه دار در پستوهای خانه ها، محبوس هستند. حتی در این مملکت، دست مزد مورد توافق کارگر و کارفرما به موقع پرداخت نمی گردد. کم نیستند جوانانی که از سر ناچاری حتی ارکان های بدن شان را می فروشند تا پولی به دست آورند و چند صباح دیگری شکم خود را سیر کنند. متأسفانه تن فروشی و اعتیاد و خودکشی و درگیری نیز در جامعه ما، به مسایل عادی تبدیل شده اند.

حکومت اسلامی، با سانسور و اختناق، وحشت و سرکوب، زندان و شکنجه و اعدام سی و سه ساله خود، فرهنگی به غایت ارتجاعی و غیرانسانی و بی رحمی را در جامعه به وجود آورده و شبانه روز در تلاشند تا مردم را هر چه بیش تر بی تفاوت و از خود بی گانه کنند. حکومت با ثروت های بادآورده به ویژه از منبع فروش نفت خام، ارکان های سرکوب خود را بازتولید و مجهز می کند و به هیچ کدام از وظایف خود در قبال جامعه و شهروندان به عنوان حکومت عمل نمی کند. چرا که نیازی به مردم مالیات دهنده ندارد. مردم ایران، روزبروز فقیر و فقیرتر و از خود بیگانه تر می گردند.

جامعه ما، چندین دهه است که شاهد ظهور فئزر جدیدی از سرمایه دارانی است که برای کسب این همه ثروت، حتی یک روز هم زحمت نکشیده اند. آن ها، یک شبه صاحب شرکت و کارخانه و کارگاه و تاجر داخلی و خارجی شده اند. این فئزر به دلیل که از حمایت همه جانبه مادی، معنوی، سیاسی و نظامی حکومت نیز برخوردار است به حدی رفتار وحشیانه با مزدبگیران دارد که در تاریخ کم تر دیده شده است. این سرمایه داران، هر موقع خواستند به بهانه بحران و ورشکستگی، حتی محل کار را تعطیل می کنند بدون این که با کارگران خود تصفیه حساب نمایند. در چنین وضعیتی، هر موقع این کارگران برای گرفتن حق خود، دست اعتراض می زنند بلافاصله با نیروهای سرکوبگر حکومتی روبرو می گردند و با ضرب و شتم وحشیانه، دستگیر و زندانی و شکنجه می شوند.

در چنین شرایطی، آمارها حاکی از این هستند که: «بیش از ۶۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.» یعنی اکثریت شهروندان جامعه ایران، حتی قادر به تامین معیشت و نیازهای ابتدایی خود و فرزندان شان خود نیستند و دستمزدها و درآمدها کفاف نیازهای ابتدایی زندگی شان را نمی دهد.

فروش و یا به قول ارکان ها و مسئولین حکومت اسلامی، «اهدای کلیه»، بازار پرورنقی در این پیدا کرد هاست: «برخی جوانان از جمله دختران به دلیل بی کاری و عده ای به خاطر بدهی و پرداخت دیه و ... وارد این بازار غیر رسمی شده و متقاضی فروش این عضو حساس بدن خود هستند... در برخی استان ها، به گفته یکی از مدیران انجمن های خیریه حمایت از بیماران کلیوی، پای دختران جوان به بازار غیر رسمی فروش کلیه باز شده و این افراد بنا به دلایل گوناگون که فقط مباحث مالی و اقتصادی است، متقاضی پرو یا قرص فروش کلیه هستند. (روزنامه شرق ۱۹ تیر ۱۳۹۰)

در حالی که احمدی نژاد، بی شرمانه ادعا می کند: «ما در ایران هیچ خانواده فقیر و نیازمندی نداریم که شب گرسنه بخوابد.»

بر اساس آمارهای موجود در ایران، میانگین گرانش به تن فروشی در میان دختران به ۱۵ سال و میانگین گرانش به مواد مخدر در میان پسران به ۱۲ سال رسیده است.

«جمعیت زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در حال افزایش است... آمارها بیانگر این است که درصد این زنان از ۸/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.» (روزنامه شرق ۲۲ تیر ۱۳۹۰)

بنا به گزارش سایت حکومتی آفتاب، رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور حکومت اسلامی، گفت: در حال حاضر ۸۰ درصد از کارگران پیمانی زیر خط فقر گذران معیشت می کنند.

فتح الله بیات، نرخ خط فقر را در بین جامعه کارگری کشور ۸۰۰ هزار تومان اعلام کرد و افزود: ۸۰ درصد از کارگران قراردادی زیر ۴۰۰ هزار تومان دست مزد دریافت می کنند. او، با اشاره به افزایش نرخ خط فقر در بین جوامع کارگری خواستار افزایش حمایت های دولت از این گروه شد و گفت: به دلیل اجرای قانون هدف مندی پارانها کارگران در تامین معیشت خود با مشکلات عدیده ای مواجه شده اند.

همین سیاست ها و برنامه های اقتصادی حکومت اسلامی و دزدی ها و ریخت و پاش های سران و مقامات و ارگان های آن از جمله عواملی هستند که اکثریت مردم ایران را زیر خط فقر برده اند. در اثر فقر و بی کاری، آسیب های اجتماعی در ایران، بسیار بحرانی و نگران کننده شده و روزانه از جامعه قربانی می گیرند. اعتیاد، قتل، دزدی، تن فروشی، فرار از خانه، خودکشی و غیره به حدی زیادی است که هر روز شمار زیادی از انسان های فقیر را از جمله به سوی بزهکاری می کشاند. برخی از این مردم فقیر، از سر ناچاری دست به دزدی های ناچیزی می زنند و برخی موافق نیز با فتوای محاکمه می شوند و راهی زندان می گردند؛ به آن ها شلاق می زنند و برخی موافق نیز با فتوای اسلامی، به شیوه ای وحشیانه حتی دست و پا پای آن ها را قطع می کنند. اما تاکنون هیچ کس خیری مبنی بر این که دزدان اموال عمومی مردم را محکوم به شلاق و یا بریدن دست شان محکوم کنند، ننشیده است. بحث بر سر این نیست که دست دزدان کله گنده را هم قطع کنند، بلکه هدف نشان دادن این قوانین الهی، اسلامی و قرآنی وحشیانه در حکومت مطلق نمایندگان خدا در ایران است که شامل حال پول داران و حکومتیان نمی شود و مختص مردمان فقیر و درمانده است.

مسلم، دزدی، اختلاس، رانت دولتی و غیره در نزد سرمایه داران بخش خصوصی و بخش دولتی و در راس آن ها خود حکومت اسلامی، گسترده تر و وسیع تر از این هاست که در اثر رقابت های درونی جناح حاکم اصول گرا، به رسانه ها درز کرده است.

در چنین شرایطی، جناح های مختلف حکومت از یک سو، فقط به فکر حفظ پست و مقام و ثروت خود هستند و از سوی دیگر، هنگامی که حکومت شان از سوی مردم جان به لب رسیده مورد اعتراض قرار می گیرد دست به دست هم می دهند تا با سرکوب و وحشیانه اعتراضات بر حق مردمی، حکومت خود را نجات دهند. به قول معروف، همه شان در یک کشتی نشسته اند و اگر این کشتی غرق شود همه شان یک جا زیر آب خواهند رفت. بنابراین، دعوای جناح ها و مقامات و سران حکومتی، کم ترین ربطی به خواست ها و مطالبات مردم نداشته و تنها برای تقسیم قدرت و ثروت های عمومی جامعه با همدیگر است. آن ها در رقابت با همدیگر، به ویژه دوره هایی که نمایش انتخاباتی در پیش دارند، گوشه هایی از دزدی ها و اختلاس هایشان را به رسانه های درز می دهند تا از همدیگر امتیاز سیاسی بگیرند.

به این ترتیب، حجم و ارقام دزدی های کلان در حکومت اسلامی، به حدی گسترده و بالاست که با ریال و تومان و ردیف کردن یک مشت صفر نمی توان ابعاد آن ها را نشان داد، بلکه باید میلیاردها دلاری نامید. این اختلاس ها و دزدی ها در بیت رهبری، کاخ ریاست جمهوری، مجلس، قوه قضائیه، ارگان های سرکوب نظامی و امنیتی به ویژه سپاه پاسداران، وزارتخانه ها، بانک ها، ادارات دولتی، شرکت ها، کارخانه ها، کارگاه ها، تیم های ورزشی به ویژه فوتبال، سینما، تئاتر، رسانه ها دولتی، دستگاه سانسور، مدارس؛ دانشگاه ها، بیمارستان ها، بنیادها، موسسات تولیدی، گمرکات و به طور کلی همه جای کشور به شکل سرسام آوری وجود دارند. مردم نیز به خوبی این دزدان اموال عمومی خود را می شناسند و می دانند که در راس همه گروه های مافیایی و دزدی ها و آدم کشی ها، سران و مقامات حکومت اسلامی قرار دارند.

در هر صورت، ماجرای اختلاس های اخیر حکومت اسلامی، عمدتاً به این دلیل علنی و توسط رسانه های حکومتی تبلیغ می شوند که از میان شکاف بزرگ و رقابتی که در جناح حاکم وجود آمده، رقبا از همدیگر امتیاز سیاسی بگیرند. در غیر این صورت مثل معروفی است که گفته اند «گر حکم شود که مست گیرند/ در شهر هر آن چه هست، گیرند.» این مثل، به معنای واقعی شامل حال همه سران و مقامات و مسئولین و به طور کلی دم و دستگاه حکومت اسلامی در همه رده ها و سطوح و ارگان های آن در سی و سه سال گذشته است. در این سی و سه سال حاکمیت خونین و تبه کارانه جمهوری اسلامی، کسب و کار دایمی و روزمره همه جناح ها و سران و مقامات و مسئولین آن، همواره تجاوز، ترور، سانسور، سرکوب، شکنجه، اعدام و هم چنین دزدی و غارت اموال عمومی و خالی کردن جیب مردم بوده است. بر این اساس، اگر قرار است کلان دزدان را بگیرند به معنای واقعی باید اکثریت سران و مقامات و مسئولین تانکونی حکومت اسلامی دستگیر و محاکمه شوند. چنین چیزی محال است مگر این که مردم با قدرت مبارزاتی خود شرایطی فراهم کنند تا همه آن ها را به پای میز محاکمه علنی و عادلانه بکشانند. حکومتی که زیر بنایش با آدم کشی، قتل و جنایت، جنگ و کشتار، زورگویی و قلدری، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام و تجاوز به جان و مال مردم و سانسور گذاشته شده است دزدی و فساد اقتصادی و جنایات سیاسی در کلیت آن، اجتناب ناپذیر است.

مسلم است که چنین حکومتی، اصلاح پذیر نمی باشد. از این رو، کسانی که به دنبال اصلاحات و انتخابات آزاد و غیره در این حکومت هستند یا در خواب و رویا به سر می برند و یا منافع شان ایجاب می کند که حکومت اسلامی با تغییرات جزئی در بالا، هم چنان به حاکمیت ضدانسانی و جنایت کارانه خود ادامه دهد. در حالی که جامعه ایران، فقط با برکناری کلیت این حکومت جهل و جنایت و ترور و غارتگر می تواند به آزادی و برابری و عدالت و رفاه دست پیدا کند.

دوشنبه چهارم مهر ۱۳۹۰ - بیست و ششم سپتامبر ۲۰۱۱

* یادداشت روز دیدگاه